

احمد اسفندیاری نقاش آبی ها و سبزها و رشد آثارش در بازار جهانی

31 خرداد 1397

احمد اسفندیاری در سال‌های تجربه‌اش به سبک‌های نقاشی چون طبیعت سازی و رئالیسم، آبستر [فیگوراتیو و پس از آن به سبک‌های نقاشی مدرن از جمله امپرسیونیسم، پست امپرسیونیسم، کوبیسم و فویسم نیز نقاشی کرده است.



اسفندیاری حرفه خود را با طبیعت و نقاشی‌های رئال آغاز کرد اما در دور [دانشجویی به خاطر علاقه‌مندی به آثار هنرمندانی چون گوگن، سزان و رامبرانت سبک امپرسیونیست را برای آثار خود انتخاب و بیشتر به آن پرداخت. اما پس از اینکه دیگر سبک‌ها را نیز تجربه کرد، به شیو [آبستر] فیگوراتیو رسید. احمد اسفندیاری جزو معدود هنرمندان ایرانی است که نامش در فرهنگ "لاروس" - دانشنامه بزرگ به زبان فرانسه - ثبت شده است و از او به عنوان پیشگام هنرنوگرا و مدرنیسم ایران یاد می‌شود. به باور کارشناسان هنر، احمد اسفندیاری از پیشکسوتان مدرنیسم ایران و از نسل نقاشانی است که در ده [20، بار سنگین تغییر قالب‌های بیانی فرسوده گذشته را بر دوش داشته و توانسته است آن را به مقصدی امن و مطمئن برساند. موضوع آثار اسفندیاری اغلب طبیعت، طبیعت بی‌جان، چهره و جلوه‌هایی از زندگی مردم بود و منتقدان هنری، آثار او را به آثار سزان نزدیک می‌دانستند. اسفندیاری تاکنون نزدیک به هشت هزار تابلو خلق کرده که بخش زیادی از آثارش هم‌اکنون در موزه‌های آمریکا و اروپا نگهداری می‌شود.

در ادامه به بیوگرافی و چگونگی ورود او به عرصه هنر و چگونگی رشد قیمت و روند سیر فروش آثارش در حراجی‌های هنری می‌پردازیم:



"اثر فروخته شد [احمد اسفندیاری در نمایشگاه فروش ویژه ی مجموعه داران آرتییشن"

احمد اسفندیاری، سال ۱۳۰۱ در تهران متولد شد، پدر او بعد از درک علاقه کودکش به نقاشی او را برای آموزش این هنر نزد علی‌محمد حیدریان -یکی از شاگردان کمال‌الملک- برد. علی‌محمد حیدریان با دیدن استعداد اسفندیاری در هنر نقاشی او را به تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا ترغیب کرد. اسفندیاری در سال 1324، پس از دور [یادگیری‌اش در امتحان عملی دانشکده

شرکت کرد و پس از ویشکایی که چند سال در مدرسه کمال الملک تحصیل کرده بود، و در دومین سال تأسیس دانشکده به عنوان نفر دوم پذیرفته شد و پس از ورود به دانشگاه و به خاطر علاقه مندی به آثار هنرمندانی چون گوگن، سزان و رامبرانت سبک امپرسیونیست را برای آثار خود انتخاب کرد. او در این سالها با نقاشانی چون جلیل ضیاپور، حسین کاظمی، جواد حمیدی و منوچهر یکتایی وارد دانشکده هنرهای زیبا شده بود و زیر نظر مدرسان فرانسوی دانشکده نقاشی را ادامه داد.

احمد اسفندیاری در جایی به نامهای که از چند استاد فرانسوی در اوایل دهه ۳۰ به دستش رسیده بود اشاره کرده و گفته است: "در پاریس وقتی کارهای من را دیده بودند تعجب کردند و برای من نوشتند که کارهایم کمی شبیه ماتیس یا موندریان است بدون هیچ تقلیدی. آنها برای من نوشته بودند که من برای خودم کسی و آدمی هستم."

اما اولین حضور جدی او در یک رویداد هنری، حضور در نمایشگاه هنرهای زیبای تهران در سال 1325 بود. در سال 1326 که دوران تحصیلش در دانشکده به اتمام می‌رسد، به عنوان پروژ پایانی، تابلویی با موضوع "باشگاه افسران" را ترسیم می‌کند. در اوایل سال 1328 در نمایشگاه گروهی انجمن فرهنگی ایران و فرانسه به همراه حسین کاظمی، محمود جواد پور و مهدی ویشکایی شرکت کرده و در پایه‌گذاری گالری آپادانا (نخستین گالری خصوصی ایران) همکاری می‌کند. فعالیت دیگر او در این زمینه، حضور در اولین بی‌ینال تهران بود که در سال ۱۳۳۷ برگزار شد در این بی‌ینال از او طبیعت بی‌جانی دیده شد که در آن اشیا، فرم‌های ساده‌ی یافته و با خطوط رنگین دورگیری شده‌اند. از اواخر سال‌های 30 در بی‌ینال‌های دوم و سوم در سال‌های 1339 و 1341، لکه رنگ‌ها جای خود را به ترکیبی از خطوط ریتمیک، موج و یا لکه رنگ‌هایی نسبتاً تخت می‌دهد و حضور این خطوط در آثارش، فضایی پویا به هنرش می‌بخشند. اما تغییر و جهش کارهای اسفندیاری را در بی‌ینال چهارم در سال 1343 می‌بینیم. خطوط ریتمیک این‌بار ساختاری هندسه‌گون یافته و با نظم دقیق‌تری کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. پرسپکتیو خطی حذف شده و اشیا و آدم‌ها به نهایت ساده می‌شوند، تا به صورت مجموعه‌ای از خطوط و سطوح رنگین، هارمونی بدیعی را شکل بخشند.



اثر فروخته شده احمد اسفندیاری در نهمین دوره از حراج تهران

آثار او در سال ۱۳۴۵، به طرز مبهم و غیرمستقیم تداعی‌گر فرش‌ها و کاشی‌کاری‌ها و معرق‌های ایرانی می‌شود. او گاهی سرتاسر بوم خود را با خطوطی مستقیم و مورب به چند بخش تقسیم می‌کند تا بدین طریق فضایی چندبخشی ایجاد کند. در بی‌ینال پنجم با استفاده از فوتک، رنگ‌های تیره‌ای را به صورت خطوط مستقیم، مورب و متقاطع روی تابلوهای خود می‌کشید که گاه مانند سایه‌های درهمی می‌شد که روی تابلو و یا در آن گسترده شده بودند.

او در این باره گفته است: "من و هم‌دوره‌هایم خیلی کار کردیم برای معرفی هنر و البته پیش هم رفتیم، خود من درست در زمانی که اصلاً کسی نمی‌دانست هنر آبستره چیست به این شیوه کار می‌کردم، رنگ و روغن را رقیق می‌کردم و بعد با دهان فوت می‌کردم و از این راه برای خلق تابلوهایم استفاده می‌کردم. آن موقع نه ایرباز در کار بود و نه کسی از این کارها می‌کرد."

اسفندیاری در بخش دیگری از تجربه‌های خود به استفاده از شکل‌های تصادفی می‌پردازد که از گذاشتن مقوا بر رنگ‌های ریخته شده روی پالت حاصل می‌آید. او بعد از این عمل شکل‌های تصادفی را به نفع ذهنیت خود تغییر می‌داد.

رنگ‌گذاری‌های احمد اسفندیاری به صورت پرچم و با استفاده از کاردک، شیوه‌ای بود که او در اواخر دهه ۴۰ چهل تجربه کرد. بیشترین موضوعی که با این تکنیک از خود برجای گذاشته است طبیعت بی‌جان و منظره است. با وقوع انقلاب و بعد از آن سال‌های جنگ، احمد اسفندیاری کمتر به کار می‌پردازد.

در این باره او گفته است: "من بعد از انقلاب نمی‌دانستم که وضع نقاشی چه خواهد شد؟ گیج و خسته و دلزده بودم و کارهایی را شروع کردم که از نوع دیگر بود. می‌دیدم آن حجم کاری را که کرده بودم نه مورد توجه خواص و منتقدان قرار گرفته و نه عموم از آن استقبال کرده‌اند. درست است که همیشه برای دلم کار کرده‌ام و به بازار بی‌توجه بوده‌ام، اما گاهی تردیدهای کشنده‌ای به سراغ آدم می‌آیند، با این همه باید بگویم که ذهن من طوری است که نمی‌تواند آرام بماند، دائماً فعال است. من از یک روش که خسته می‌شدم، می‌رفتم سراغ روش دیگر."

اگرچه پس از انقلاب وقفه‌ای در کارهای هنری اسفندیاری به وجود آمد، اما او روحیه خود را بازیافت و شیوه‌های مختلفی از هنر نقاشی را تجربه کرد. نقاشی‌کردن او مجدداً از سال‌های پایانی جنگ، شتاب می‌گیرد و تا سال‌های اخیر نیز ادامه می‌یابد. در این سال‌ها اسفندیاری نقی می‌زند بر شیوه‌هایی که سال‌های گذشته که در اواخر سال‌های 30 و در سال‌های 40 تجربه کرده بود.



اثر احمد اسفندیاری در پنجمین دوره حراج تهران

اسفندیاری پس از فراغت از تحصیل تدریس در هنرستان‌ها و دبیرستان‌های تهران را بر عهده گرفت و سالها در هنرستانها و دبیرستانهای تهران تدریس کرد و بازنشسته آموزش و پرورش شد. سالها به آموزش هنر نقاشی به جوانان علاقه‌مند همت گماشت. در کنار این فعالیتها، نقاشی را به صورت جدی دنبال و آثار بسیاری را در سالها و مقاطع مختلف عمرش خلق کرد. از آثار این هنرمند نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی متعددی در داخل و خارج از کشور برگزار شده است.

اسفندیاری رنگ آبی را بسیار دوست داشت و در کارهایش از این رنگ استفاده زیادی می‌کرد. خودش می‌گفت: «آبی را دوست دارم، رنگ آسمان وطنم است.» توجه به سوزنهای انسانی و سنت‌های رایج در بین مردم عامه، استفاده از رنگ‌های ناب و درخشان و حاکمیت رنگ‌های سرد و به خصوص طیف‌های متنوعی از رنگ آبی، توجه به طبیعت و ساده‌سازی فرم‌های آن در نقاشی و همچنین روابط میان آدم‌ها از ویژگی‌های هنر اسفندیاری است. ضربه قلم‌های آزاد، حذف جزئیات و ساده‌سازی، از خصوصیات کاری این زمان او است. علاقه زیاد او به طبیعت باعث می‌شد روزهای متمادی ابزار کار خود را بردارد و به دشت‌ها و بیابان‌های اطراف محل زندگی خود برود و از مناظر آنجا نقاشی کند. به گفته بسیاری از کارشناسان هنری، اسفندیاری ضمن توجه به نوگرایی و مدرنیسم، توجه به هنر اصیل ایرانی و المان‌های آن را در کارهایش حفظ کرده بود.

او در سال‌های تجربه‌اش به شیوه‌های، طبیعت‌سازی و رئالیسم، آبستره فیگوراتیو و پس از آن به سبک‌های مختلف نقاشی مدرن از جمله امپرسیونیسم، کوبیسم و فویسم نیز نقاشی کرده است. در طی بیش از شصت سال تجربه هنری احمد اسفندیاری، و به رغم تنوعی که در شیوه‌های او وجود دارد، به‌طور کلی چند نکته همه آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد و حاکی از شخصیت واحد آفریننده آن‌ها است: استفاده از رنگ‌های ناب و درخشان و حاکمیت رنگ‌های سرد و به خصوص انواع آبی‌ها؛ عشق به طبیعت، راستی، مردم و روابط آن‌ها و فضاهای سنتی؛ حذف جزئیات و ساده‌سازی فرم‌ها به شکلی که گویی آدم‌ها، طبیعت، اشیا؛ استفاده از خط برای دورگیری و یا نمایش اشیا؛ در آثار او هیچ نوع قدرت‌نمایی تکنیکی را نمی‌توان مشاهده کرد.

در نهایت باید اذعان داشت که کارهای او برداشتی از چند سبک مختلف است، اما حاصل از تفکر خاصش است. او در این باره می‌گوید: "ابتدا کارم طبیعت‌سازی بود و سبکی را که در زمان دانشجویی‌ام کار می‌کردم امپرسیونیسم بود بسیاری از هنرمندان، آثار مرا شبیه آثار سزان، نقاش فرانسوی می‌دانستند بعد تصمیم گرفتم که تقلید نکنم. بیست سال پیش زمانی که هنرمندان خارجی آثار مرا می‌دیدند هرگز باور نمی‌کردند که در ایران نقاشان بزرگی هستند که می‌توانند کارهای ارزنده‌ای به نمایش بگذارند مدتی امپرسیونیسم کار می‌کردم بدون اینکه چیزی از آبستره بدانم، در آن سبک شروع به کار کردم من در طول این مدت، کارهایی انجام دادم که بسیاری از هنرمندان نکردند ابتدا رئالیسم کار می‌کردم الان من آبستره و به‌طور کلی انتزاعی کار می‌کنم این کار فرم خاص خودش را دارد و سبک کارم در واقع مخصوص خودم است. کارهای من برداشتی از چند سبک است و می‌توانم بگویم نوع تفکر خاص من است یک هنرمند نقاش باید چند سال کار بکند تا طراحی را یاد بگیرد او در واقع با چند سال کار کردن تبدیل به یک نقاش می‌شود مسلماً کاری که ارائه می‌دهم از نوع تفکر خاص خودم است و هیچ‌گونه کپی برداری نمی‌کنم و قاطعانه با چنین روشی مخالفم"



اما در بحث بازار آثار احمد اسفندیاری گذشته از تکنیک و شیوه هنری خاصش، بازار مثبت او و سیر صعودی فروش آثارش در ایران به وضوح از نمودارها و اطلاعات آماری قابل درک است. آثار او در پنج دوره از حراج تهران شرکت داشته است و آخرین اثرش در حراج نهم با قیمت 40 میلیون تومان در حراج تهران شرکت داشت.

نمودار رشد قیمت آثار او در از سال 92 تا کنون صعودی و بوده و درصدی مثبت را با خود همراه داشته است، تمام آثار او در حراج‌هایی که شرکت کرده‌اند بیشتر از برآورد اولیه چکش خورده‌اند که تعداد زیاد علاقمندان به هنر و سبک اسفندیاری را می‌رساند.



گرانترین اثر او در تیرماه سال 96 و به قیمت 100 میلیون تومان چکش خورده است. اسفندیاری در لوای سطوح و بازی‌های رنگی و سایه‌روشن‌هایش در این اثر آگاهی عمیقی از نحوه به‌کارگیری نور و سایه شکل داده و در عین حال از واقع‌گرایی پرهیز کرده و بر بیان‌های اندیشه مدرن پایبند بوده است. وی بدین ترتیب در این تابلو فرم و ترکیب را سامان و فضای تصویری استادانه‌ای را شکل داده است. دورگیری سطوح یکی دیگر از خصوصیات نقاشی‌های اسفندیاری در گرانترین اثرش است.



در این تابلو خطوط آبی تیره تمامی فرم‌ها را با آهنگی نرم و روان دربرگرفته‌اند. رنگ‌های به کار رفته در تابلو در حداقل ممکنند و تن‌های قهوه‌ای و کرم در کنار آبی تیره تمامی آن چیزی است که برای بیان خلاقانه تابلو کافی می‌نماید. استفاده از خطوط دورگیری، نقاشی را به چیزی از جنس طراحی نزدیک کرده و در عین حال سطوح متنوع اُکُر و کِرِم در کنار سفید، بیانی نقش‌گونه به تابلوی 100 میلیونی او داده است. ساده‌سازی سطوح و روان بودن خطوط یادآور آثار هنرمند شاخص مدرنیست هانری ماتیس است، اما از نظر سوژه و برخورد با موضوع، فضا کاملاً بومی و سنتی است. به همین دلیل نقاشی‌های اسفندیاری همچون این گرانترین اثرش را باید محل تلاقی سنت و مدرنیته ارزیابی کرد.



همانطور که گفتیم نرخ رشد آثار او به طرز شگفتی همگی مثبت بوده و بیشترین نرخ رشدش اثر انسان و مناظر اوست که مربوط به حراج تهران در خرداد 93 و با درصد رشدی برابر با 70 درصد بوده است. این اثر انسان در کنار مناظر و قسمتی از طبیعت و در هماهنگی با آن دیده می‌شد. رنگ‌های بنفش و آبی و سبز و فیروزه‌ای و نارنجی و زرد طلایی که از رنگ‌های محبوب او محسوب می‌شوند، مانند نقوش سفال، هم اشکال را دورگیری می‌کنند و هم رنگ‌آمیزی آنها را به عهده می‌گیرند. در این اثر دورگیری‌های سیاه‌رنگ مانند سفالینه‌های سنتی ایرانی به نظر می‌رسند. این خطوط رنگ‌های مختلف را دربر گرفته و جلوه‌ای پر قدرت به شکل‌ها بخشیده بود.



برای خرید آثاری از ایشان می‌توانید با آرتیبیشن در تماس باشید، همچنین تعدادی از آثار ایشان برای مدت کوتاهی در آرتیبیشن با تخفیف برای فروش ارائه می‌شود. این فروش ویژه آثار ایشان تا روز بیستم تیرماه 1397 دایر خواهد بود و می‌توانید برای بازدید و خرید آثار احمد اسفندیاری با مسئول مارکتینگ آرتیبیشن با شماره 09210209630 در تماس باشید.